

**سوگیری اسناد خصمانه و پرخاشگری: نقش میانجی بلوغ اجتماعی**مرضیه حسینی<sup>۱\*</sup>، تورج هاشمی<sup>۲</sup>، زینب خانجانی<sup>۳</sup>، نعیمه ماشینچی عباسی<sup>۳</sup><sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران<sup>۲</sup> گروه روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری علوم اعصاب شناختی، دانشگاه تبریز، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تبریز، ایران**چکیده**

پرخاشگری، رفتاری است که به واسطه آن فرد به خود یا دیگران آزار جسمانی وارد می‌کند که تحت تأثیر نظام شناختی و عوامل رشدی است، به نحوی که موجب بازداري یا تسهیل آن می‌گردند. هدف پژوهش، تعیین نقش سوگیری اسناد خصمانه در پرخاشگری به واسطه بلوغ اجتماعی بود. پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی - همبستگی است. از دانش‌آموزان دوره متوسطه تبریز، ۳۰۰ نفر به شیوه خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و به پرسشنامه‌های پرخاشگری، سوگیری اسناد خصمانه و بلوغ اجتماعی پاسخ دادند. مدل یابی معادلات ساختاری نشان داد که سوگیری اسناد خصمانه با پرخاشگری، رابطه مستقیم و معنی‌دار، پرخاشگری و سوگیری اسناد خصمانه با بلوغ اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار دارد. سوگیری اسناد خصمانه به واسطه بلوغ اجتماعی قادر است تغییرات پرخاشگری را تبیین نماید. پرخاشگری از عوامل ادراکی-شناختی و رشدی تأثیر پذیرفته و در این میان، بلوغ اجتماعی می‌تواند اثرات سوگیری اسناد خصمانه بر پرخاشگری را بازداري نماید.

**کلیدواژه‌ها:** سوگیری اسناد خصمانه؛ پرخاشگری؛ بلوغ اجتماعی**مقدمه**

توانمندی‌های انسان در بسیاری از موقعیت‌های زندگی تسهیل‌گر روابط اجتماعی بوده، ولی برخی از نمودهای آن از کارآمدی پایداری برخوردار نبوده و ممکن است به آسیب‌های جدی زندگی اجتماعی و فردی منجر شوند که در این میان می‌توان به پدیده پرخاشگری در اشکال مختلف آن اشاره نمود. آوریل (۱۹۸۲)، پرخاشگری را اینطور تعریف می‌کند: پرخاشگری نوعی تحکم همراه با تن صدای بلند و خشم‌آمیز، لحن تهدیدآمیز، نگاه خیره، بیان کلامی نامربوط برای تمسخر دیگران و آسیب فیزیکی به شخص دیگر است که ممکن است پس از اتمام مجادله، احساس ناراحتی مداوم یابد. با این حال هدف آن، تغییر دادن رفتار دیگران و حفاظت از خویشتن در برابر تهدیدها و اعمال سلطه بر دیگران است. هرچند این پدیده از منظرهای مختلفی مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است، لکن عوامل زمینه‌ساز و آشکارکننده شناختی (فریک، کامل، باری، بودین و دان، ۲۰۰۳) پیش از همه عوامل مورد توجه اندیشمندان عرصه روان‌شناسی (کریک و داج، ۱۹۹۶) واقع شده است، به نحوی که در این دیدگاه فعالیت شناختی در قالب پردازش اطلاعات و ارزیابی شناختی فرد از یک رویداد بعنوان شرط لازم جهت بروز پرخاشگری تلقی شده است.

در این راستا داج و کوی (۱۹۸۷) بر نقش اسنادها و سوگیری‌های اسنادی خصمانه در بروز پرخاشگری تأکید نموده و بیان می‌دارند که اسناددهی، یک فرآیند شناختی است که طی آن فرد تلاش می‌کند علل وقوع حوادث و رخدادها را به عاملی نسبت دهد. پژوهش‌های متنوع (مارس و فریک، ۲۰۰۷؛ دپالو و همکاران، ۲۰۰۲) نشان می‌دهند که رفتارهای پرخاشگرانه بطور جدی تحت تأثیر دو دسته از باورهای اسنادی قرار دارند. از یک سو باور به پذیرش هنجاری پرخاشگری و از طرفی دیگر، پردازش اطلاعات اجتماعی (فریک و همکاران، ۲۰۰۳) که اسناددهی بخش عمده‌ای از این پردازش محسوب می‌شود، به نحوی که اگر فرد به این نتیجه برسد که پرخاشگری و واکنش پرخاشگرانه از لحاظ اجتماعی امر پذیرفته شده‌ای است و عکس‌العمل جدی و منفی در مقابل آن از لحاظ اجتماعی وجود ندارد، در آن صورت وقوع رفتار پرخاشگرانه امر احتمالی خواهد بود. در این ارتباط فریک (۲۰۰۷) نشان داده است که بین پرخاشگری فیزیکی و آشکار و سوگیری اسناد خصمانه، رابطه مستقیم

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: marziehoseini1@yahoo.com

وجود دارد، در حالیکه مطالعات هوبارد و همکاران (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که پرخاشگری فیزیکی فعال با انتظار پیامدهای مثبت رابطه مستقیم دارد.

با تمام این اوصاف بروز رفتار پرخاشگرانه در برخی موقعیت‌ها بدون تاثیرپذیری از سوگیری‌های اسناد خصمانه نیز محتمل است (کامپیل و همکاران، ۲۰۰۰). چرا که مطالعات مولیس (۲۰۰۴) و سورنسن (۲۰۰۹) نشان می‌دهند که واکنش‌های پرخاشگرانه به رفتارهای دیگران نه بر اساس اسنادهای خصمانه بلکه بر اساس برآورد سود و زیان ناشی از این واکنش‌ها انجام می‌پذیرد به نحوی که عمل پرخاشگرانه چنانچه فواید مصنوعیت بخش داشته باشد الزاماً ابراز خواهد شد و چنانچه آسیب‌های ناشی از آن، محتمل‌تر باشد از بروز آن جلوگیری خواهد شد. یافته‌های گندلسکی و استروی (۲۰۱۰) و پاکر (۱۹۹۵) حاکی از آن است که در برخی موقعیت‌های بین فردی، بدلیل تخمین‌های مربوط به سود آبی کم و فواید بزرگ بلندمدت، از بروز واکنش‌های پرخاشگرانه جلوگیری می‌شود. در توجیه و تبیین این یافته‌های متناقض برخی نظریه‌پردازان (زلارو، ۲۰۰۷) بر نقش عوامل میانجی در بروز و عدم بروز رفتارهای پرخاشگرانه با وجود اسنادهای خصمانه تاکید نموده‌اند. در این راستا مولیس (۲۰۰۴) بر این عقیده است که شاخص‌های تحول روانی - اجتماعی نقش بازدارنده و گاه تسهیل‌گر در ابراز واکنش‌های پرخاشگرانه ایفا می‌کنند. از سویی بررسی‌های گاردنر و همکاران (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که ناتوانی در خودتنظیمی، احساس اضطراب، ادراکات ناکارآمدی و عدم توانایی در درک عواقب کوتاه‌مدت و بلندمدت رفتار، ضعف شناخت اجتماعی، تئوری ذهن رشدنا یافته و ناتوانی در کنترل تکانه از جمله عوامل مستعد کننده بروز رفتارهای پرخاشگرانه به شمار می‌آیند.

مبتنی بر آنچه عنوان شد، می‌توان استنباط نمود که از یک سو، سوگیری اسناد خصمانه در تسهیل بروز رفتارهای پرخاشگرانه به ایفای نقش می‌پردازد و از سوی دیگر، پختگی روانی - اجتماعی یکی از مهمترین بازدارنده‌های واکنش‌های پرخاشگرانه به شمار می‌آید و همچنین برخی ویژگی‌های روانی - اجتماعی از قبیل همدلی، شناخت اجتماعی، اعتدال، مسئولیت‌پذیری و توانایی دیدگاه‌گیری از مهمترین عوامل بازدارنده سوگیری‌های اسناد خصمانه (پیتز و پتی، ۱۹۹۷) قلمداد شده‌اند و در مقابل مطالعات داج (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که فقدان اعتماد به نفس و ناتوانی در خودتنظیمی و اضطراب می‌توانند بروز سوگیری‌های اسنادی خصمانه را تسهیل نمایند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که نشانگرهای پختگی روانی - اجتماعی از تاثیرگذاری اسنادهای خصمانه بر رفتارهای پرخاشگرانه بازدارنده (پرایس و گلد، ۲۰۰۳) و عدم پختگی روانی - اجتماعی نه تنها شکل‌گیری چنین اسنادهایی را تسهیل می‌کنند، بلکه روند اثرگذاری آنها را بر رفتارهای پرخاشگرانه تشدید می‌نمایند (مولیس و همکاران، ۲۰۰۴). لذا سوال اصلی این پژوهش این بود که آیا پختگی و بلوغ روانی - اجتماعی در روابط بین سوگیری اسنادی خصمانه و رفتارهای پرخاشگرانه نقش واسطه‌ای دارد یا نه؟

## روش

### شرکت‌کنندگان

از جامعه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان تبریز در سال تحصیلی ۹۶-۹۵، تعداد ۳۰۰ نفر به شیوه تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در این راستا ابتدا از بین نواحی ۵ گانه آموزش و پرورش شهر تبریز تعداد ۲ ناحیه به شیوه تصادفی انتخاب و از هر ناحیه انتخاب شده و سپس تعداد ۲ دبیرستان پسرانه و دخترانه (دوره دوم متوسطه) انتخاب گردید. پس از آن، از هر دبیرستان، یک کلاس در پایه‌های اول، دوم و سوم متوسطه انتخاب و کلیه دانش‌آموزان حاضر در کلاس‌ها به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شد. توضیح این که در تعیین حجم نمونه، توصیه‌های پژوهشی کرلینجر (۱۹۹۲) مبنای عمل قرار گرفت. پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی - همبستگی بود.

### ابزار

پرسشنامه پرخاشگری نوجوانان: این پرسشنامه توسط هینز (۲۰۱۲) تهیه شده و حاوی ۴۰ سوال است که هریک از سوالات در قالب طیف ۵ درجه ای لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) نمره گذاری می‌شود. این پرسشنامه حاوی ۳ زیر مقیاس (کلامی، فیزیکی، وسیله‌ای) است که مجموع نمرات این خرده مقیاس‌ها، میزان پرخاشگری را معین می‌کند. هینز (۲۰۱۲) برای بررسی اعتبار این پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده نمود که نتایج نشان داد سوالات این پرسشنامه بر روی ۳ عامل دارای بار عاملی مثبت و معنی‌دار است. همچنین مطالعه هینز (۲۰۱۲) با استفاده از روش تحلیلی عاملی تاییدی نشان داد که سوالات این پرسشنامه بر روی یک عامل زیربنایی دارای بار عاملی مثبت و معنی‌دارند. همچنین هینز (۲۰۱۲) با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ، میزان ثبات درونی سوالات این پرسشنامه را ۰/۷۶ بدست آورده است.

پرسشنامه سوگیری اسناد خصمانه: این پرسشنامه توسط آرنتر و همکاران (۲۰۰۳) جهت اندازه گیری سوگیری اسناد خصمانه تهیه شده است که حاوی ۲۰ آیتم بوده و هریک از آیتیم ها در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شوند. برخی از سؤالات این پرسشنامه به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. در بررسی اعتبار این پرسشنامه، با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی مشخص شد که همه ۲۰ آیتیم این پرسشنامه بر روی یک عامل زیربنایی، بار عاملی معنی‌دار دارند و بررسی اعتبار پرسشنامه، با استفاده از روش آزمون- بازآزمون نشان داد که همبستگی مثبت و قابل توجه (۰/۷۹) بین دو مرحله آزمون وجود دارد.

پرسشنامه بلوغ روانی-اجتماعی: این پرسشنامه توسط کروزر (۲۰۰۸) تهیه شده است که حاوی ۳۰ سوال بوده که در قالب طیف پنج درجه- ای لیکرت (کاملاً موافقم-کاملاً مخالفم) نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسشنامه حاوی ۵ زیرمقیاس (همدلی، هویت، اعتمادبنفس، قضاوت اخلاقی، کنترل خود) است که مجموع نمرات این خرده مقیاس‌ها، میزان بلوغ روانی - اجتماعی را معین می‌کند. کروزر (۲۰۰۸) در بررسی اعتبار این پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که سؤالات این پرسشنامه بر روی ۵ عامل دارای بار عاملی مثبت و معنی‌دار است. از سویی، تحلیل عاملی تاییدی بعمل آمده توسط کروزر (۲۰۰۴) نشان داد که ۳۰ سؤال این پرسشنامه، بر روی یک عامل کلی بار عاملی مثبت و معنی‌دار دارند. کروزر (۲۰۰۳) با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، میزان ثبات درونی سؤالات این پرسشنامه را ۰/۷۸ بدست آورده است.

شیوه‌ی اجرا

به منظور جمع‌آوری داده‌ها، نخست از میان دبیرستان‌های نواحی ۲ و ۳ شهرستان تبریز کلاس‌های موردنظر انتخاب و سپس هدف پژوهش توضیح داده شد و به دنبال جلب همکاری آنها، نسبت به توزیع پرسشنامه‌ها اقدام شد. پس از پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌ها نسبت به جمع‌آوری آنها اقدام شد. داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی (مدل‌یابی معادلات ساختاری) مورد تحلیل قرار گرفتند.

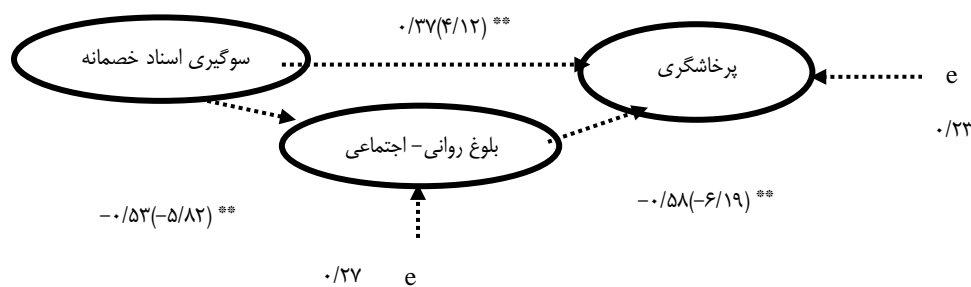
## نتایج

جدول ۱

شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و ماتریس همبستگی متغیرها					
متغیرها	M	SD	۱	۲	۳
۱. پرخاشگری	۶۱/۹۵	۱۵/۲۹	۱		
۲. سوگیری اسناد خصمانه	۴۲/۶۵	۸/۱۲	۰/۴۱**	۱	
۳. بلوغ روانی- اجتماعی	۵۶/۹۱	۱۳/۳۶	-۰/۶۲**	-۰/۵۶**	۱

\*\* p < ۰/۰۱

جدول ۱ نشان می‌دهد که الف) بین سوگیری اسناد خصمانه و پرخاشگری رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. ب) بین بلوغ روانی- اجتماعی و پرخاشگری و بین سوگیری اسناد خصمانه و بلوغ روانی- اجتماعی رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. در راستای تحلیل روابط سوگیری اسناد خصمانه و پرخاشگری بواسطه بلوغ روانی- اجتماعی از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد:



شکل ۱. مدل ساختاری روابط بین متغیرهای پژوهش

جدول ۲

نتایج آزمون برازش مدل ساختاری										
IFI	NFI	CFI	AGFI	GFI	P	$\chi^2/df$	df	$\chi^2$	RMSEA	
۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۰۰۱	۳	۱۹۱	۵۷۳	۰/۰۳	

آزمون مدل ساختاری نشان می‌دهد که (۱) مدل نظری با داده‌ها برازش مطلوب دارد چراکه مقدار ریشه واریانس خطای تقریب (RMSEA) در حد مطلوب (کمتر از ۰/۰۵) واقع شده و نسبت  $\chi^2/df$  در حد مطلوب (کمتر از ۵) قرار دارد و این نسبت در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۵ معنی دار است. از طرفی، شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) در حد مطلوب (بزرگتر از ۰/۹۰) قرار دارند. همچنین، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازش هنجارشده (NFI) و شاخص برازش افزایش (IFI) در حد مطلوب (بزرگتر از ۰/۹۰) قرار دارند. اثر سوگیری اسناد خصمانه در پرخاشگری با ضریب تأثیر (۰/۳۷) در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است. اثر بلوغ روانی-اجتماعی بر پرخاشگری با ضریب تأثیر (۰/۵۸-) در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است. اثر سوگیری اسناد خصمانه بر بلوغ روانی-اجتماعی با ضریب تأثیر (۰/۵۳-) در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۱ معنی دار است (جدول ۲ و شکل ۱). در راستای بررسی نقش میانجی بلوغ روانی-اجتماعی در روابط بین سوگیری اسناد خصمانه و پرخاشگری، از آزمون بوت استرپ استفاده شد. نتایج این روش در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳

روش بوت استرپ جهت بررسی اثرات غیر مستقیم								
متغیر مستقل	متغیر واسط	متغیر وابسته	آزمون بوت استرپ	مقدار	خطای	مقدار اثر	t	p
			حد بالا	حد پایین	سوگیری برآورد			
سوگیری اسناد خصمانه	بلوغ روانی-اجتماعی	پرخاشگری	۰/۳۳۸۱	۰/۲۹۳۲	۰/۰۰۰۷	۰/۰۱۲	۳/۹۱	۰/۰۱

جدول ۳ نشان می‌دهد که سوگیری اسناد خصمانه بواسطه بلوغ روانی-اجتماعی قادر است ۳۱ درصد از تغییرات پرخاشگری را بطور مثبت و معنی دار تبیین نماید، چراکه t محاسبه شده (۳/۹۱) در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۵ معنی دار است. به تعبیری، بلوغ روانی-اجتماعی قادر است روابط بین سوگیری اسناد خصمانه و پرخاشگری را بطور معنی دار میانجیگری کند.

## بحث

تحلیل داده‌ها نشان داد سوگیری اسناد خصمانه در پرخاشگری نقش مثبت دارد. این نتیجه با نظریه فریک و همکاران (۲۰۰۳) همسو است که در سبب‌شناسی پرخاشگری بر فرآیندهای زیربنایی شناختی از جمله سبک‌های اسنادی تأکید نموده‌اند. بعلاوه، مارس و فریک (۲۰۰۷) نشان دادند که بین سوگیری اسناد خصمانه و رفتارهای پرخاشگرانه رابطه مثبت وجود دارد. کریک و داج (۱۹۹۶) معتقدند که در وقوع پرخاشگری واکنشی، نقش سوگیری‌های اسنادی خصمانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین، داج و کوی (۱۹۸۷) بر اهمیت اسنادهای خصمانه در موقعیت‌های بین فردی اشاره نموده و عنوان داشته‌اند که نسبت دادن انگیزه‌های خصمانه به رفتارهای دیگران، زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتارهای پرخاشگرانه در افراد است. در این راستا، کریک و داج (۱۹۹۶) بر این عقیده‌اند که در روابط اجتماعی، رفتار آدمی تحت تأثیر کیفیت پردازش اطلاعاتی قرار دارد که از فضای بین فردی سرچشمه گرفته و در سازمان شناختی مورد تحلیل واقع می‌شوند. ایشان توضیح می‌دهند که رفتار پرخاشگری در فرآیند پردازش اطلاعات اجتماعی، قابلیت ظهور پیدا می‌کند، به نحوی که ممکن است در مرحله رمزگردانی یا مرحله تفسیر اطلاعات، فرد به ویژگی‌های خاصی در دیگری توجه کند یا رفتار وی را تعبیر و تفسیر خصمانه کند (به عنوان نمونه، به این نتیجه برسد که دیگری، عامل اصلی ناکامی یا شکست وی در دستیابی به اهداف بوده است)، در آن صورت احتمال وقوع پرخاشگری افزایش می‌یابد.

از سویی ممکن است سوگیری خصمانه موجب شود که فرد در انتخاب هدف به گونه‌ای عمل کند که توجیه‌گر مناسبی برای اسنادهایش باشد و نهایتاً ورود به عرصه عمل و نشان دادن رفتار پرخاشگرانه نیز از سوگیری اسناد خصمانه بی‌بهره نمانده و فرد را برای ابراز پرخاشگری، فعال نماید. داج و کوی (۱۹۸۷) بیان می‌دارند که سوگیری اسناد خصمانه زمانی زمینه را برای پرخاشگری هموار می‌کنند که قصد طرف مقابل در یک تعامل مبهم باشد، به این معنی که سوگیری‌ها زمانی وارد عمل می‌شوند که نتوان به صورت آشکار به رفتار دیگران، برچسب خصمانه زد، لذا چنانچه فرد در چنین موقعیتهای مبهم، رفتار دیگران را خصمانه تعبیر کند در آن صورت احتمال پرخاشگری افزایش می‌یابد.

همچنین، یافته‌ها نشان داد که بین بلوغ روانی - اجتماعی و پرخاشگری رابطه منفی وجود دارد. در این رابطه، کرووز و همکاران (۲۰۰۸) بیان داشته‌اند که ویژگی‌های مثبت تحول روانی - اجتماعی از قبیل همدلی، رشد قضاوت‌های اخلاقی، هویت شکل گرفته و اعتماد به نفس بالا در بازداری از رفتارهای پرخاشگرانه نقش پایدار دارند. مطالعات فوساتی و همکاران (۲۰۰۹) نشان می‌دهند که احساس کنترل بر خود، عدم نیاز به تایید اجتماعی، شناخت ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و داشتن اهداف مثبت در زندگی که هر یک به نوعی نشانگر تحول روانی - اجتماعی‌اند در کاهش و بازداری پرخاشگری نقش اساسی دارند. ویژگی اعتدال و توانایی تجزیه و تحلیل پیامدهای احتمالی عمل که از شاخص‌های رشد روانی - اجتماعی به شمار می‌آیند، می‌توانند از بروز رفتارهای پرخاشگرانه در موقعیتهای بین فردی بازداری کنند (داج، ۲۰۰۶).

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بلوغ روانی-اجتماعی قادر است رابطه بین سوگیری اسناد خصمانه و پرخاشگری را میانجیگری کند. در این راستا می‌توان بیان داشت که کسب مهارت اجتماعی نوعی رشد روانی-اجتماعی است. بسیاری از پژوهشگران (گرشام و الیوت، ۱۹۹۰) مهارت‌های اجتماعی را زیرمجموعه‌ای از سازه کفایت اجتماعی می‌دانند. به تعبیری، فردی که مهارت‌های اجتماعی لازم را کسب کرده است، می‌تواند به خوبی با محیطش سازش کرده و از طریق برقراری ارتباط با دیگران از موقعیتهای تعارض‌آمیز کلامی و فیزیکی اجتناب کند. این افراد، رفتارهایی از خود نشان می‌دهند که به پیامدهای مثبت روانی-اجتماعی، نظیر پذیرش توسط همسالان و رابطه موثر با دیگران منجر می‌شود.

از سوی دیگر، کسانی که مهارت‌های اجتماعی لازم را کسب نکرده‌اند، اغلب به اختلالات رفتاری مبتلا می‌شوند، در میان همسالان و بزرگسالان محبوب نیستند و با معلم و یا سایر افراد به خوبی کنار نمی‌آیند و این گونه نارسایی‌ها، پیش‌بینی‌کننده انواع مختلفی از مشکلات عاطفی، شخصیتی، سازگاری و تحصیلی کوتاه‌مدت و بلندمدت هستند (گرشام و همکاران، ۲۰۰۶). براین اساس، می‌توان استنباط نمود که مهارت‌های اجتماعی، رفتارهای کلامی و غیرکلامی مقبول، هدفمند، به هم مرتبط، تحت کنترل و آموختنی هستند که بیشتر جنبه تعاملی داشته و موجب شروع و تداوم روابط متقابل و مثبت با دیگران گردیده، عزت نفس افراد را افزایش داده و پذیرش اجتماعی آنها را تسهیل می‌کند.

اعتماد به پاسخ شرکت‌کنندگان در تکمیل پرسشنامه‌ها مهمترین محدودیت این مطالعه بود. همچنین پژوهش حاضر روی دانش‌آموزان شهر تبریز انجام شده است و به همین دلیل باید از تعمیم یافته‌ها به سایر اقشار جامعه اجتناب شود. از طرفی، با توجه به مشکلات مربوط به پرخاشگری، بهتر است بویژه بر بلوغ روانی-اجتماعی نوجوانان که در دوران رشد هستند، تأکید نمود تا از این طریق، شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی و شخصیت سالم تسهیل شده و از بروز اختلالات رفتاری و به تبع آن، پرخاشگری جلوگیری بعمل آید.

## منابع

- Crick, N. R., & Dodge, K. A. (1996). Social information-processing mechanisms in reactive and proactive aggression. *Child Development, 67*, 993-1002.
- Cruise, K. R., Fernandez, K., McCoy, W. K., Guy, L. S., Colwell, L. H., & Douglas, T. R. (2008). The influence of psychosocial maturity on adolescent offenders' delinquent behavior. *Youth Violence and Juvenile Justice, 6*, 178-194.
- Dodge, K. A. & Coie, J. D. (1987). Social-Information-Processing factors in reactive and proactive aggression in children's peer groups. *Journal of Personality and Social Psychology, 53*, 1146-1158.
- Dodge, K. A. (2006). Translational science in action: hostile attributional style and the development of aggressive behavior problems. *Development and Psychopathology, 18*, 791-814.
- Fossati, A., Raine, A., Borroni, S., Bizzozero, A., Volpi, E., Santalucia, I., & Maffei, C. (2009). A cross-cultural study of the psychometric properties of the reactiveproactive aggression questionnaire among Italian nonclinical adolescents. *Psychological Assessment, 21*, 131-135.

- Frick, P. J., Cornell, A. H., Barry, C.T., Bodin, S. D., & Dane, H. E. (2003). Callouse-enemotional traits and conduct problems in the predication of conduct problem severity, aggression youth. *Journal of Abnormal Psychology, 106*, 37-51.
- Godleski, S. A., & Ostrov, J. M. (2010). Relational aggression and hostile attribution biases: Testing multiple statistical methods and models. *Journal of Abnormal Child Psychology, 38*(4), 447-458.
- Hubbard, J. A., Smithmyer, C. M., Ramsden, S. R., Parker, E. H., Flanagan, K. D., Dearing, K. F., & et al. (2002). Observational, physiological, and self-report measures of children's anger: relations to reactive versus proactive aggression. *Child Development 73*(4), 1101-1118.
- Marsee, M. A., & Frick, P. J. (2007). Exploring the cognitive and emotional correlates to proactive and reactive aggression in a sample of detained girls. *Journal of Abnormal Child Psychology, 35*, 969-981.
- Price, J.M. & Glad, K. (2003). Hostile attributional tendencies in maltreated children. *Journal of Abnormal Psychology, 31*, 329-343.